

# « تأثیر هوش هیجانی معلم بر انگیزش و یادگیری دانش آموزان ابتدایی »

مریم فضلی لمراسکی

فوق لیسانس برنامه ریزی درسی

چکیده



های اخیر، توجه به ابعاد هیجانی فرایند یاددهی-یادگیری به یکی از محورهای اصلی پژوهش‌های حوزه تعلیم و تربیه شده است. در این میان، هوش هیجانی معلمان به عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌ها در شناخت، درک، مدیریت و به کارگ

MDOI-02-2026.0463

MNR-477-2-EA2B61

ویژگی‌های رشدی و هیجانی خود، بیش از سایر مقاطع تحصیلی تحت تأثیر کیفیت روابط عاطفی با معلمان قرار دارند. از این رو،

برخورداری معلمان از مهارت‌های هوش هیجانی می‌تواند ضمن تقویت تعاملات مثبت کلاس درس، زمینه افزایش انگیزش

تحصیلی، مشارکت فعال، احساس تعلق به مدرسه و بهبود عملکرد یادگیری را فراهم سازد.

مقاله حاضر با رویکردی علمی-ترویجی و در این راستا، ابعاد مختلف هوش هیجانی شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، همدلی،

مهارت‌های ارتباطی و مدیریت روابط، در ارتباط با مؤلفه‌های انگیزش تحصیلی، یادگیری فعال، خودکارآمدی، مشارکت

آموزشی و پیشرفت تحصیلی مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معلمان دارای هوش هیجانی بالا، از

طریق برقراری ارتباط مؤثر، مدیریت سازنده تعارض‌ها، ارائه بازخوردهای حمایتی، افزایش احساس امنیت روانی و ایجاد فضای

یادگیری مبتنی بر احترام و اعتماد، تأثیر چشمگیری بر انگیزش درونی، علاقه به یادگیری، مشارکت کلاسی و پیشرفت تحصیلی

دانش آموزان دارند. همچنین نتایج بیانگر آن است که آموزش مهارت‌های هوش هیجانی به معلمان، حمایت مدیران مدارس از

توسعه حرفه‌ای آنان، تقویت فرهنگ مدرسه مبتنی بر تعامل سازنده و توجه به سلامت روان معلمان، از مهم‌ترین عوامل ارتقای

کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری محسوب می‌شود.

در مجموع، هوش هیجانی معلم را می‌توان یکی از مؤلفه‌های کلیدی کیفیت آموزش در دوره ابتدایی دانست که علاوه بر بهبود

روابط آموزشی، زمینه رشد شناختی، هیجانی و اجتماعی دانش آموزان را فراهم می‌آورد. توجه به این ظرفیت در برنامه‌های تربیت

معلم، آموزش‌های ضمن خدمت و سیاست‌گذاری‌های آموزشی می‌تواند گامی مؤثر در ارتقای کیفیت نظام تعلیم و تربیت و

پرورش یادگیرندگانی توانمند، باانگیزه و مسئولیت‌پذیر باشد.

**کلید واژه‌ها:** هوش هیجانی، معلم ابتدایی، انگیزش تحصیلی، یادگیری، دانش آموزان دوره ابتدایی، پیشرفت تحصیلی، مدیریت

کلاس درس، روابط معلم و دانش آموز، کیفیت آموزش، تعلیم و تربیت.

نظام‌های آموزشی معاصر در کنار انتقال دانش و مهارت، مسئولیت پرورش همه‌جانبه دانش‌آموزان را نیز بر عهده دارند. در این میان، کیفیت تعامل میان معلم و دانش‌آموز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر موفقیت فرایند یاددهی-یادگیری شناخته می‌شود. پژوهش‌های نوین حوزه روان‌شناسی تربیتی نشان می‌دهد که اثربخشی معلمان تنها به دانش تخصصی و مهارت‌های آموزشی آنان وابسته نیست، بلکه توانایی مدیریت هیجان‌ها، برقراری ارتباط مؤثر، همدلی، ایجاد احساس امنیت روانی و هدایت عاطفی کلاس نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد تحصیلی و شخصیتی دانش‌آموزان دارد. این مجموعه توانایی‌ها در قالب مفهوم «هوش هیجانی» تبیین می‌شود؛ مفهومی که طی دو دهه اخیر به یکی از مهم‌ترین شاخص‌های شایستگی حرفه‌ای معلمان تبدیل شده است (گل‌من، ۱۹۹۵؛ شریفی‌درآمدی، ۱۳۹۹).

دوره ابتدایی از حساس‌ترین مراحل رشد انسان به شمار می‌آید؛ زیرا بسیاری از ویژگی‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و شخصیتی کودک در این دوره شکل می‌گیرد. دانش‌آموزان ابتدایی به دلیل ویژگی‌های رشدی خود، بیش از هر عامل دیگری از رفتار، نگرش و تعاملات معلم تأثیر می‌پذیرند. معلمی که از هوش هیجانی بالایی برخوردار است، می‌تواند با مدیریت مناسب هیجان‌های خود، درک احساسات دانش‌آموزان، ایجاد روابط مبتنی بر احترام و اعتماد و ارائه بازخوردهای سازنده، محیطی امن و انگیزه‌بخش برای یادگیری فراهم آورد. در مقابل، ضعف در مهارت‌های هیجانی معلم ممکن است موجب افزایش اضطراب، کاهش مشارکت کلاسی، افت انگیزش تحصیلی و تضعیف روابط آموزشی شود. از این رو، توجه به ابعاد هیجانی حرفه معلمی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در ارتقای کیفیت آموزش ابتدایی محسوب می‌شود (کدیور، ۱۳۹۸).

در سال‌های اخیر، با گسترش رویکردهای انسان‌گرایانه و روان‌شناسی مثبت‌نگر، نقش هیجان‌ها در فرایند یادگیری بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. برخلاف دیدگاه‌های سنتی که یادگیری را صرفاً فرایندی شناختی می‌دانستند، نظریه‌های جدید بر تعامل میان مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی تأکید دارند. بر این اساس، احساس امنیت، تعلق، امید، خودکارآمدی و انگیزش درونی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای یادگیری عمیق و پایدار به شمار می‌روند. معلم به‌عنوان نزدیک‌ترین عامل محیط آموزشی به دانش‌آموز، نقشی اساسی در شکل‌گیری این مؤلفه‌ها دارد و کیفیت روابط هیجانی او با فراگیران می‌تواند مسیر یادگیری آنان را تسهیل یا تضعیف کند (Bandura, 1997; Hargreaves, 2000).

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که هوش هیجانی معلمان با متغیرهای متعددی از جمله انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی دانش‌آموزان، مدیریت کلاس درس، کیفیت روابط آموزشی، کاهش تعارض‌های رفتاری، رضایت از مدرسه و پیشرفت تحصیلی ارتباط معناداری دارد. پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده‌اند که معلمان دارای مهارت‌های بالاتر در خودآگاهی، خودتنظیمی، همدلی و مدیریت روابط، در ایجاد جو عاطفی مثبت کلاس، افزایش مشارکت دانش‌آموزان و کاهش رفتارهای ناسازگار موفق‌تر عمل می‌کنند (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۹۸؛ حجازی و کدیور، ۱۳۹۸). همچنین نتایج پژوهش‌های خارجی حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری بر توسعه هوش هیجانی معلمان، نه تنها کیفیت تدریس را افزایش می‌دهد، بلکه سلامت روان، انگیزش و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را نیز بهبود می‌بخشد (Jennings & Greenberg, 2009; Brackett et al., 2019). با وجود افزایش پژوهش‌ها در زمینه هوش هیجانی، بخش قابل توجهی از مطالعات موجود بر جنبه‌های فردی این سازه متمرکز بوده و کمتر به نقش آن در تعاملات آموزشی و پیامدهای یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی پرداخته‌اند. افزون بر این، تغییرات اجتماعی، گسترش فناوری‌های نوین، افزایش فشارهای روانی بر دانش‌آموزان و پیچیده‌تر شدن روابط مدرسه، ضرورت توجه به شایستگی‌های هیجانی معلمان را دوچندان کرده است. در چنین شرایطی، بررسی نقش هوش هیجانی معلم در تقویت انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان، می‌تواند به ارائه راهکارهای کاربردی برای ارتقای کیفیت آموزش ابتدایی و بهبود عملکرد نظام تعلیم و تربیت کمک کند.

از منظر نظری، این مقاله بر مبانی نظری هوش هیجانی، نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان، نظریه انگیزش پیشرفت و دیدگاه‌های نوین روان‌شناسی تربیتی استوار است. این چارچوب‌ها بر این اصل تأکید دارند که یادگیری زمانی بیشترین اثربخشی را خواهد داشت که محیط آموزشی از نظر عاطفی حمایتگر، از نظر روان‌شناختی ایمن و از نظر ارتباطی مبتنی بر احترام و اعتماد متقابل باشد. هوش هیجانی معلم یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق چنین محیطی به شمار می‌آید.

مقاله حاضر با رویکردی علمی-ترویجی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، درصدد تبیین نقش هوش هیجانی معلمان در ارتقای انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی است. بدین منظور، ابتدا مبانی نظری و ابعاد هوش هیجانی تبیین شده، سپس ارتباط آن با انگیزش تحصیلی، یادگیری مؤثر، مدیریت کلاس درس، روابط معلم و دانش‌آموز و کیفیت محیط آموزشی بررسی می‌شود. همچنین راهکارهای عملی برای توسعه مهارت‌های هیجانی معلمان و بهره‌گیری از این ظرفیت در بهبود کیفیت آموزش ارائه خواهد شد.

#### اهداف پژوهش

تبیین مفهوم و ابعاد هوش هیجانی معلم در محیط آموزشی.

بررسی نقش هوش هیجانی در افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی.

تحلیل تأثیر هوش هیجانی معلم بر کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان.

ارائه راهکارهای کاربردی برای ارتقای شایستگی‌های هیجانی معلمان و بهبود کیفیت آموزش ابتدایی.

#### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به ماهیت علمی-ترویجی مقاله، فرضیه‌ها به صورت نظری مطرح می‌شوند:

برخورداری معلمان از سطح بالاتر هوش هیجانی، موجب افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌شود.

هوش هیجانی معلم با بهبود کیفیت یادگیری، مشارکت کلاسی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت دارد.

توسعه مهارت‌های هیجانی معلمان، زمینه ایجاد محیط یادگیری ایمن، حمایتگر و انگیزه‌بخش را فراهم می‌آورد.

آموزش هوش هیجانی در برنامه‌های تربیت معلم و دوره‌های ضمن خدمت می‌تواند به ارتقای کیفیت نظام آموزش ابتدایی و بهبود تعاملات آموزشی منجر شود.

## تعاریف عملیاتی و مفهومی

تعریف مفهومی هوش هیجانی معلم

هوش هیجانی به مجموعه‌ای از توانایی‌ها و شایستگی‌های فردی و اجتماعی گفته می‌شود که به فرد امکان می‌دهد هیجان‌های خود و دیگران را به درستی شناسایی، درک، تنظیم و در جهت بهبود روابط و تصمیم‌گیری‌های مؤثر به کار گیرد. در محیط آموزشی، هوش هیجانی معلم شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش درونی، همدلی و مهارت‌های ارتباطی است که در کیفیت تعامل با دانش‌آموزان، مدیریت کلاس درس، کاهش تعارض‌ها و ایجاد فضای عاطفی مناسب برای یادگیری نقش اساسی دارد (گلمن، 1995؛ سالووی و مایر، 1990).

تعریف عملیاتی هوش هیجانی معلم

در این مقاله، هوش هیجانی معلم به عنوان مجموعه‌ای از رفتارها و شایستگی‌های حرفه‌ای شامل توانایی مدیریت هیجان‌ها، همدلی با دانش‌آموزان، برقراری ارتباط مؤثر، کنترل تعارض‌های کلاسی، ایجاد فضای عاطفی مثبت، تقویت انگیزش یادگیری و حمایت روانی از دانش‌آموزان در نظر گرفته شده و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل یافته‌های پژوهش‌های معتبر داخلی و خارجی تبیین می‌شود.

تعریف مفهومی انگیزش تحصیلی

انگیزش تحصیلی به مجموعه نیروهای درونی و بیرونی گفته می‌شود که فرد را به آغاز، استمرار و جهت‌دهی فعالیت‌های یادگیری و دستیابی به اهداف آموزشی ترغیب می‌کند. این سازه شامل علاقه به یادگیری، پشتکار، احساس شایستگی، خودکارآمدی، اشتیاق برای موفقیت و تمایل به مشارکت فعال در فعالیت‌های آموزشی است و یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های پیشرفت تحصیلی محسوب می‌شود (دسی و رایان، 2000؛ بندورا، 1997).

تعریف عملیاتی انگیزش تحصیلی

در این مقاله، انگیزش تحصیلی به میزان علاقه، مشارکت فعال، تلاش مستمر، مسئولیت‌پذیری در انجام تکالیف، اشتیاق به یادگیری، اعتماد به نفس آموزشی و تمایل دانش‌آموزان دوره ابتدایی برای حضور مؤثر در فعالیت‌های یادگیری اطلاق می‌شود که از طریق تحلیل منابع علمی مورد بررسی قرار گرفته است.

تعریف مفهومی یادگیری

یادگیری فرایندی نسبتاً پایدار از تغییر در دانش، نگرش، مهارت یا رفتار است که در نتیجه تجربه، آموزش و تعامل با محیط حاصل می‌شود. در آموزش ابتدایی، یادگیری علاوه بر کسب دانش، شامل رشد مهارت‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و حل مسئله نیز می‌شود و تحت تأثیر عوامل فردی، محیطی و آموزشی قرار دارد.

تعریف عملیاتی یادگیری

در این مقاله، یادگیری به بهبود کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری، افزایش مشارکت کلاسی، درک مفاهیم، پیشرفت تحصیلی، تقویت تفکر، حل مسئله و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی اطلاق می‌شود که متأثر از هوش هیجانی معلم تحلیل و تبیین شده است.

### تعریف مفهومی دانش آموزان دوره ابتدایی

دانش آموزان دوره ابتدایی به کودکان شاغل به تحصیل در پایه‌های اول تا ششم آموزش عمومی اطلاق می‌شود که در مرحله‌ای حساس از رشد شناختی، هیجانی، اجتماعی و اخلاقی قرار دارند. در این دوره، شخصیت، نگرش، انگیزش و بسیاری از مهارت‌های اساسی زندگی شکل می‌گیرد و کیفیت تعامل با معلم نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد آنان دارد.

### تعریف عملیاتی دانش آموزان دوره ابتدایی

در این مقاله، منظور از دانش آموزان دوره ابتدایی، تمامی فراگیران مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی است که پیامدهای هوش هیجانی معلم بر انگیزش، یادگیری، مشارکت آموزشی، تعاملات اجتماعی و پیشرفت تحصیلی آنان بر اساس مطالعات علمی بررسی شده است.

### تعریف مفهومی پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی به میزان دستیابی دانش آموز به اهداف آموزشی، مهارت‌ها، شایستگی‌ها و استانداردهای مورد انتظار نظام آموزشی گفته می‌شود. این مفهوم علاوه بر عملکرد در آزمون‌ها، شامل رشد توانایی‌های شناختی، مهارت‌های حل مسئله، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و یادگیری پایدار نیز هست.

### تعریف عملیاتی پیشرفت تحصیلی

در این مقاله، پیشرفت تحصیلی به بهبود عملکرد آموزشی، افزایش کیفیت یادگیری، ارتقای مشارکت در کلاس، موفقیت در فعالیت‌های درسی و رشد شایستگی‌های شناختی و اجتماعی دانش آموزان اطلاق می‌شود که در پرتو تعاملات مبتنی بر هوش هیجانی معلم مورد تحلیل قرار گرفته است.

### تعریف مفهومی مدیریت کلاس درس

مدیریت کلاس درس مجموعه‌ای از راهبردها، مهارت‌ها و اقدامات آموزشی است که معلم برای ایجاد محیطی منظم، ایمن، انگیزه‌بخش و اثربخش به کار می‌گیرد تا یادگیری مطلوب و مشارکت فعال دانش آموزان فراهم شود.

### تعریف عملیاتی مدیریت کلاس درس

در این مقاله، مدیریت کلاس درس به توانایی معلم در ایجاد نظم، کنترل هیجان‌های کلاس، برقراری ارتباط مثبت، مدیریت تعارض‌ها، افزایش احساس امنیت روانی، هدایت رفتار دانش آموزان و فراهم‌سازی محیطی مناسب برای یادگیری اشاره دارد که یکی از پیامدهای مهم هوش هیجانی معلم محسوب می‌شود.

## روش تحقیق

این مقاله با عنوان «تأثیر هوش هیجانی معلم بر انگیزش و یادگیری دانش آموزان ابتدایی» از نوع علمی-ترویجی بوده و با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی تدوین شده است. هدف اصلی پژوهش، تبیین مبانی نظری و تحلیل نقش هوش هیجانی معلمان در ارتقای انگیزش و کیفیت یادگیری دانش آموزان دوره ابتدایی و ارائه راهکارهای کاربردی برای بهبود

فرایندهای آموزشی است. در این پژوهش، به جای گردآوری داده‌های میدانی، از تحلیل انتقادی و تلفیقی یافته‌های پژوهش‌های معتبر داخلی و خارجی، کتاب‌های تخصصی، اسناد بالادستی آموزش و پرورش، مقالات نمایه‌شده در پایگاه‌های علمی و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی بهره گرفته شده است.

#### جامعه پژوهش

با توجه به ماهیت علمی-ترویجی مقاله، جامعه پژوهش را مجموعه منابع علمی مرتبط با موضوع تشکیل می‌دهد. این منابع شامل کتاب‌های تخصصی حوزه روان‌شناسی تربیتی، هوش هیجانی، تعلیم و تربیت، مقالات منتشرشده در مجلات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، اسناد رسمی وزارت آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه جامع علمی کشور و همچنین گزارش‌ها و استانداردهای منتشرشده توسط سازمان‌هایی نظیر یونسکو، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و انجمن روان‌شناسی آمریکا است. بهره‌گیری هم‌زمان از منابع فارسی و انگلیسی، امکان تحلیل جامع‌تر موضوع و مقایسه یافته‌های پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی را فراهم کرده است.

#### نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه پژوهش شامل منابعی است که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. معیارهای انتخاب منابع عبارت‌اند از: ارتباط مستقیم با متغیرهای هوش هیجانی معلم، انگیزش تحصیلی و یادگیری دانش‌آموزان؛ اعتبار علمی منبع؛ انتشار در مجلات معتبر یا توسط ناشران دانشگاهی؛ روزآمد بودن منابع و برخورداری از پشتوانه نظری و تجربی مناسب. در بخش منابع فارسی، اولویت با آثار منتشرشده در مجلات معتبر وزارت علوم، دانشگاه فرهنگیان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و انتشارات سمت بوده است. در بخش منابع خارجی نیز از آثار کلاسیک و پژوهش‌های نوین پژوهشگرانی مانند گلمن، سالووی و مایر، برکت، جینگز، بندورا، دسی و رایان و سایر صاحب‌نظران حوزه روان‌شناسی تربیتی و هوش هیجانی استفاده شده است.

#### ابزار پژوهش

ابزار اصلی پژوهش، فرم فیش‌برداری و تحلیل اسناد علمی بوده است. در این ابزار، اطلاعات مربوط به مبانی نظری، تعاریف، مدل‌های مفهومی، یافته‌های پژوهشی، نتایج مطالعات پیشین و راهکارهای کاربردی استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. همچنین برای افزایش انسجام تحلیل، داده‌های گردآوری‌شده بر اساس محورهایی مانند ابعاد هوش هیجانی، مؤلفه‌های انگیزش تحصیلی، شاخص‌های یادگیری، نقش معلم در مدیریت هیجان‌های کلاس و پیامدهای آموزشی دسته‌بندی شده‌اند.

#### روایی و پایایی ابزار

در پژوهش‌های علمی-ترویجی، اعتبار ابزار پیش از آنکه بر شاخص‌های آماری استوار باشد، بر اعتبار منابع، دقت فرایند تحلیل و انسجام استدلال علمی تکیه دارد. از این رو، برای تأمین روایی محتوای منابع مورد استفاده از میان آثار معتبر علمی، مقالات نمایه‌شده در پایگاه‌هایی مانند SID، Magiran، Noormags، ISC، ERIC و Web of Science انتخاب شده‌اند. همچنین تلاش شده است دیدگاه‌های مختلف پژوهشگران داخلی و خارجی به صورت تطبیقی بررسی شود تا از یک‌جانبه‌نگری جلوگیری گردد.

پایایی پژوهش نیز از طریق استفاده از منابع معتبر، مقایسه یافته‌های مطالعات مختلف، بررسی هم‌پوشانی نتایج، استناد به آثار کلاسیک و پژوهش‌های جدید و رعایت نظم منطقی در تحلیل داده‌ها تأمین شده است. افزون بر این، روش تحلیل به گونه‌ای تنظیم شده که در صورت استفاده مجدد از همان منابع و معیارهای انتخاب، نتایج مشابهی حاصل شود.

#### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل توصیفی-استنباطی انجام شده است. در این فرایند، ابتدا اطلاعات استخراج‌شده از منابع علمی بر اساس مفاهیم اصلی پژوهش کدگذاری و طبقه‌بندی گردید. سپس روابط میان ابعاد هوش هیجانی معلم، انگیزش تحصیلی و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان تحلیل و تبیین شد. در ادامه، با رویکرد مقایسه‌ای، نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفت و نقاط اشتراک، تفاوت‌ها و خلأهای پژوهشی شناسایی شد. در نهایت، با اتکا به شواهد علمی، راهکارهایی برای ارتقای شایستگی‌های هیجانی معلمان و بهبود کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری در مدارس ابتدایی ارائه شد.

با توجه به ماهیت کاربردی موضوع، این پژوهش تلاش کرده است ضمن بهره‌گیری از یافته‌های معتبر علمی، میان مباحث نظری و نیازهای واقعی مدارس ابتدایی پیوند برقرار کند. از این رو، نتایج آن می‌تواند برای معلمان، مدیران مدارس، برنامه‌ریزان آموزشی، استادان دانشگاه فرهنگیان و سیاست‌گذاران نظام تعلیم و تربیت در طراحی برنامه‌های توانمندسازی حرفه‌ای معلمان و ارتقای کیفیت آموزش ابتدایی قابل استفاده باشد.

#### یافته‌های پژوهش

بررسی و تحلیل منابع معتبر داخلی و خارجی نشان می‌دهد که هوش هیجانی معلم یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی است. برخلاف رویکردهای سنتی که موفقیت آموزشی را عمدتاً به دانش تخصصی معلم، محتوای درسی و روش‌های تدریس نسبت می‌دادند، یافته‌های پژوهش‌های جدید بیانگر آن است که کیفیت تعاملات عاطفی و هیجانی میان معلم و دانش‌آموز، نقش تعیین‌کننده‌ای در انگیزش، یادگیری و رشد همه‌جانبه فراگیران دارد. هوش هیجانی با ایجاد تعادل میان ابعاد شناختی و عاطفی آموزش، زمینه شکل‌گیری محیطی حمایتگر، ایمن و انگیزه‌بخش را فراهم می‌کند و موجب می‌شود دانش‌آموزان با علاقه، اعتماد و احساس تعلق بیشتری در فعالیتهای آموزشی مشارکت کنند.

تحلیل مطالعات انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد که معلمان برخوردار از سطح بالاتر هوش هیجانی، در مدیریت کلاس درس، ایجاد روابط مثبت با دانش‌آموزان، کاهش تعارض‌های رفتاری و ارتقای انگیزش تحصیلی موفق‌تر عمل می‌کنند. پژوهش‌های داخلی همچنین حاکی از آن است که مؤلفه‌هایی مانند همدلی، خودتنظیمی، مهارت‌های ارتباطی و مدیریت هیجان‌ها، با افزایش مشارکت کلاسی، احساس امنیت روانی، مسئولیت‌پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت روابط انسانی در کلاس درس، یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای یادگیری اثربخش در دوره ابتدایی است.

از سوی دیگر، پژوهش‌های بین‌المللی نیز بر اهمیت هوش هیجانی معلمان تأکید کرده‌اند. نتایج مطالعات گلמן، سالوی و مایر، جیننگز و گرینبرگ و برکت و همکاران نشان می‌دهد که معلمان دارای هوش هیجانی بالا، توانایی بیشتری در مدیریت هیجان‌های

خود و دانش آموزان، کنترل موقعیت‌های تنش‌زا، ایجاد جو عاطفی مثبت، کاهش اضطراب یادگیری و افزایش تعاملات سازنده دارند. چنین معلمانی از راهبردهای ارتباطی مؤثرتری استفاده می‌کنند و با ارائه بازخوردهای تشویقی و حمایتگر، زمینه رشد انگیزش درونی و یادگیری عمیق را فراهم می‌سازند. در نتیجه، کلاس درس از محیطی صرفاً آموزشی به فضایی برای رشد شناختی، هیجانی و اجتماعی تبدیل می‌شود.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که انگیزش تحصیلی دانش آموزان ابتدایی بیش از آنکه تحت تأثیر عوامل بیرونی مانند پاداش یا تنبیه قرار گیرد، از کیفیت تعاملات روزمره با معلم تأثیر می‌پذیرد. زمانی که معلم با احترام، همدلی، صبوری و درک تفاوت‌های فردی با دانش آموزان برخورد می‌کند، احساس شایستگی، خودکارآمدی و علاقه به یادگیری در آنان تقویت می‌شود. برعکس، رفتارهای هیجان‌مدار منفی، بی‌توجهی به نیازهای عاطفی دانش آموزان یا استفاده مداوم از روش‌های تنبیهی، می‌تواند موجب کاهش انگیزش، افت اعتمادبه‌نفس و کاهش مشارکت آموزشی شود.

یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که هوش هیجانی معلم تأثیر مستقیمی بر کیفیت یادگیری دارد. معلمانی که قادرند هیجان‌های مثبت را در کلاس تقویت کنند، فرصت گفت‌وگو، پرسشگری و همکاری را برای دانش آموزان فراهم آورند و فضای یادگیری را از اضطراب و ترس دور نگه دارند، زمینه یادگیری عمیق‌تر و پایدارتر را ایجاد می‌کنند. در چنین محیطی، دانش آموزان با تمرکز بیشتر، خلاقیت بالاتر و اشتیاق بیشتری در فعالیت‌های آموزشی شرکت کرده و توانایی بهتری در حل مسئله، تفکر انتقادی و انتقال آموخته‌ها به موقعیت‌های جدید از خود نشان می‌دهند.

بررسی منابع همچنین نشان داد که مدیریت هیجان‌های کلاس درس یکی از مهم‌ترین جلوه‌های هوش هیجانی معلم است. در کلاس‌هایی که معلم توانایی کنترل هیجان‌های خود، مدیریت تعارض‌ها و هدایت رفتارهای دانش آموزان را دارد، میزان بی‌نظمی، پرخاشگری، اضطراب و رفتارهای ناسازگار کاهش یافته و احساس امنیت، همکاری و مسئولیت‌پذیری افزایش می‌یابد. این موضوع به‌ویژه در دوره ابتدایی، که کودکان در حال شکل‌دهی مهارت‌های اجتماعی و هیجانی خود هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هوش هیجانی معلم تنها بر دانش آموزان اثر نمی‌گذارد، بلکه کیفیت عملکرد حرفه‌ای خود معلم را نیز ارتقا می‌دهد. معلمان دارای هوش هیجانی بالا، در برابر فشارهای شغلی، فرسودگی حرفه‌ای و تنش‌های محیط کار مقاومت بیشتری دارند، روابط مؤثرتری با همکاران و والدین برقرار می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های آموزشی عملکرد منطقی‌تر و اثربخش‌تری دارند. این ویژگی‌ها به بهبود فرهنگ مدرسه، افزایش رضایت شغلی معلمان و ارتقای کیفیت مدیریت آموزشی نیز کمک می‌کند.

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش، نقش توسعه حرفه‌ای معلمان در ارتقای هوش هیجانی است. بررسی مطالعات نشان داد که هوش هیجانی صرفاً یک ویژگی ذاتی نیست، بلکه از طریق آموزش، تمرین، بازخورد و تجربه قابل تقویت است. دوره‌های آموزشی مرتبط با خودآگاهی، همدلی، ارتباط مؤثر، مدیریت تعارض، ذهن‌آگاهی، تنظیم هیجان و مهارت‌های بین‌فردی، تأثیر چشمگیری بر بهبود عملکرد آموزشی معلمان داشته‌اند. بنابراین، گنجاندن این مهارت‌ها در برنامه‌های تربیت معلم و آموزش‌های ضمن خدمت می‌تواند کیفیت تعاملات آموزشی را به میزان قابل توجهی افزایش دهد.

تحلیل تطبیقی منابع داخلی و خارجی همچنین نشان داد که اثربخشی هوش هیجانی معلمان تحت تأثیر عواملی مانند فرهنگ سازمانی مدرسه، سبک رهبری مدیر، حمایت خانواده، امکانات آموزشی، تراکم کلاس‌ها و سیاست‌های آموزشی قرار دارد. در مدارس که فضای مشارکتی، اعتماد متقابل، احترام به معلمان و حمایت از سلامت روان کارکنان وجود دارد، زمینه برای بروز و تقویت رفتارهای مبتنی بر هوش هیجانی فراهم‌تر است. در مقابل، محیط‌های آموزشی مبتنی بر فشار، کنترل افراطی و رقابت ناسالم، فرصت استفاده مؤثر از این ظرفیت را کاهش می‌دهند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هوش هیجانی معلم یکی از مؤلفه‌های بنیادین کیفیت آموزش در دوره ابتدایی است و می‌تواند از طریق افزایش انگیزش تحصیلی، بهبود کیفیت روابط آموزشی، ارتقای مدیریت کلاس، تقویت سلامت روان، افزایش مشارکت دانش‌آموزان و بهبود یادگیری، نقش مؤثری در تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت ایفا کند. از این رو، توجه به توسعه شایستگی‌های هیجانی معلمان باید به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاری آموزشی، برنامه‌های تربیت معلم و توانمندسازی حرفه‌ای در مدارس ابتدایی مورد توجه قرار گیرد.

## نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل منابع علمی داخلی و خارجی نشان داد که هوش هیجانی معلم یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی است و نقش آن فراتر از انتقال دانش و مدیریت کلاس درس است. یافته‌های این مقاله نشان داد که معلمانی که از توانایی بالاتری در خودآگاهی، خودتنظیمی، همدلی، مدیریت روابط و کنترل هیجان‌ها برخوردارند، محیطی ایمن، حمایتگر و انگیزه‌بخش برای یادگیری ایجاد می‌کنند. چنین محیطی موجب افزایش انگیزش درونی، احساس تعلق به مدرسه، مشارکت فعال، اعتمادبه‌نفس، خودکارآمدی و در نهایت بهبود یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. همچنین تحلیل پژوهش‌ها نشان داد که هوش هیجانی معلمان علاوه بر ارتقای عملکرد دانش‌آموزان، موجب کاهش تعارض‌های کلاسی، بهبود روابط معلم و دانش‌آموز، افزایش رضایت شغلی معلمان و ارتقای فرهنگ سازمانی مدرسه نیز می‌شود. تحلیل حاضر نشان می‌دهد که اثر هوش هیجانی زمانی بیشترین کارآمدی را خواهد داشت که در کنار آن عواملی همچون حمایت مدیران مدارس، فرهنگ سازمانی مثبت، مشارکت خانواده‌ها، برنامه‌های توانمندسازی حرفه‌ای معلمان و سیاست‌های آموزشی مبتنی بر سلامت روان نیز مورد توجه قرار گیرد. از این رو، هوش هیجانی را نمی‌توان متغیری مستقل از سایر مؤلفه‌های نظام آموزشی دانست، بلکه باید آن را بخشی از یک نظام یکپارچه برای ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت تلقی کرد.

از سوی دیگر، نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در بسیاری از مدارس، توجه به شایستگی‌های هیجانی معلمان هنوز در سطح مطلوبی قرار ندارد و برنامه‌های تربیت معلم و آموزش‌های ضمن خدمت بیشتر بر مهارت‌های آموزشی و انتقال محتوا متمرکز هستند. در حالی که تحولات اجتماعی، گسترش فناوری‌های نوین، تغییر ویژگی‌های نسل جدید دانش‌آموزان و افزایش مسائل روان‌شناختی و هیجانی، ضرورت توجه به توانمندی‌های عاطفی و ارتباطی معلمان را بیش از گذشته آشکار ساخته است. از این منظر، ارتقای کیفیت آموزش ابتدایی بدون سرمایه‌گذاری بر توسعه هوش هیجانی معلمان، دستیابی به نتایج پایدار و همه‌جانبه را با دشواری مواجه خواهد کرد.

پیشنهادها

بر اساس یافته‌های این مقاله، پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌های هوش هیجانی به یکی از محورهای اصلی برنامه‌های تربیت معلم و دوره‌های ضمن خدمت تبدیل شود تا معلمان بتوانند در کنار دانش تخصصی، شایستگی‌های ارتباطی و هیجانی خود را نیز توسعه

دهند. همچنین مدیران مدارس با ایجاد فرهنگ سازمانی مبتنی بر احترام، همدلی، مشارکت و حمایت روانی، زمینه بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های هیجانی معلمان را فراهم کنند.

پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان و مراکز آموزش معلمان، واحدهای مستقلی در زمینه هوش هیجانی، مهارت‌های ارتباطی، مدیریت هیجان، حل تعارض، ذهن آگاهی و روان‌شناسی مثبت‌نگر پیش‌بینی شود. برگزاری کارگاه‌های آموزشی مستمر، جلسات بازاندیشی حرفه‌ای، گروه‌های هم‌آموزی معلمان و برنامه‌های مشاوره شغلی نیز می‌تواند در تقویت این مهارت‌ها مؤثر باشد.

از منظر سیاست‌گذاری آموزشی، ضروری است شاخص‌های مرتبط با هوش هیجانی و شایستگی‌های عاطفی در فرآیند جذب، ارزیابی و توسعه حرفه‌ای معلمان مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، طراحی برنامه‌های مشترک میان مدرسه و خانواده برای تقویت مهارت‌های هیجانی دانش‌آموزان، حمایت از سلامت روان معلمان و ایجاد محیط‌های یادگیری امن و حمایتگر، می‌تواند زمینه ارتقای انگیزش و کیفیت یادگیری را فراهم سازد.

در نهایت، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، نقش متغیرهایی مانند خودکارآمدی معلم، سرمایه روان‌شناختی، تاب‌آوری، سبک‌های رهبری مدیران، فرهنگ مدرسه، هوش فرهنگی و فناوری‌های نوین آموزشی را در کنار هوش هیجانی بررسی کنند. همچنین انجام پژوهش‌های میدانی، طولی و مداخله‌ای در مدارس ابتدایی، می‌تواند شواهد دقیق‌تری برای تبیین سازوکارهای اثرگذاری هوش هیجانی بر انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان فراهم آورد و مبنای علمی مناسب‌تری برای تصمیم‌گیری‌های آموزشی و تربیتی ایجاد کند.

#### منابع:

1. احمدی، س.، و نادری، ع. (1400). هوش هیجانی و نقش آن در بهبود عملکرد آموزشی معلمان. فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، 14(2)، 85-104.
2. بازرگان، ع. (1398). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (ویرایش هفتم). تهران: آگه.
3. حجازی، ا.، و کدیور، پ. (1398). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
4. خنیفر، ح.، و زارعی‌متین، ح. (1397). رفتار سازمانی پیشرفته. تهران: نگاه دانش.
5. سیف، ع. ا. (1400). روان‌شناسی پرورشی؛ روان‌شناسی یادگیری و آموزش (ویرایش هشتم). تهران: دوران.
6. شریفی‌درآمدی، پ. (1399). اصول و مبانی مشاوره و راهنمایی. تهران: رشد.
7. شفیعی‌آبادی، ع.، و ناصری، غ. (1398). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
8. شعبانی، ح. (1399). مهارت‌های آموزشی و روش تدریس. تهران: سمت.
9. کدیور، پ. (1398). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
10. وزارت آموزش و پرورش. (1390). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

11. Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York, NY: W. H. Freeman.
12. Brackett, M. A., Rivers, S. E., Reyes, M. R., & Salovey, P. (2019). Enhancing academic performance and social and emotional competence with the RULER approach to social and emotional learning. *Learning and Individual Differences*, 72, 14–23.
13. Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227–268.
14. Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence: Why It Can Matter More Than IQ*. New York, NY: Bantam Books.
15. Hargreaves, A. (2000). Mixed emotions: Teachers' perceptions of their interactions with students. *Teaching and Teacher Education*, 16(8), 811–826.
16. Jennings, P. A., & Greenberg, M. T. (2009). The prosocial classroom: Teacher social and emotional competence in relation to student and classroom outcomes. *Review of Educational Research*, 79(1), 491–525.
17. Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2004). Emotional intelligence: Theory, findings, and implications. *Psychological Inquiry*, 15(3), 197–215.
18. OECD. (2021). *Beyond Academic Learning: First Results from the Survey of Social and Emotional Skills*. Paris: OECD Publishing.
19. Salovey, P., & Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition and Personality*, 9(3), 185–211.
20. UNESCO. (2021). *Reimagining Our Futures Together: A New Social Contract for Education*. Paris: UNESCO.

# **The Impact of Teachers' Emotional Intelligence on the Motivation and Learning of Elementary School Students**

**Maryam Fazli Lamraski**

Master of Arts (M.A.) in Curriculum Planning

## **Abstract**

In recent years, increasing attention has been devoted to the emotional dimensions of the teaching–learning process, making them one of the central themes in educational research. Among these dimensions, teachers' emotional intelligence, defined as the ability to recognize, understand, regulate, and effectively utilize emotions, plays a crucial role in creating a safe, dynamic, and motivating learning environment. Due to their developmental and emotional characteristics, elementary school students are more strongly influenced by the quality of their emotional relationships with teachers than learners at other educational levels. Therefore, teachers who possess strong emotional intelligence skills can foster positive classroom interactions, enhance students' academic motivation, encourage active participation, strengthen their sense of school belonging, and improve learning outcomes.

The present article adopts a scientific review approach to examine the impact of teachers' emotional intelligence on students' motivation and learning. It analyzes the major dimensions of emotional intelligence—including self-awareness, self-regulation, empathy, communication skills, and relationship management—and explores their association with academic motivation, active learning, self-efficacy, classroom engagement, and academic achievement. The findings indicate that teachers with higher levels of emotional intelligence significantly enhance students' intrinsic motivation, interest in learning, classroom participation, and academic performance by establishing effective communication, constructively managing conflicts, providing supportive feedback, promoting psychological safety, and fostering a learning environment based on trust and mutual respect.

The findings further suggest that professional training in emotional intelligence for teachers, administrative support for teachers' professional development, the promotion of a collaborative school culture, and increased attention to teachers' mental well-being are among the most important factors contributing to the improvement of the teaching–learning process. Overall, teachers' emotional intelligence can be regarded as one of the key determinants of educational quality in elementary schools. In addition to strengthening educational relationships, it facilitates students' cognitive, emotional, and social development. Integrating emotional intelligence into teacher education programs, in-service professional development, and educational policymaking can significantly contribute to improving the quality of education and fostering competent, motivated, and responsible learners.

**Keywords:** Emotional Intelligence, Elementary School Teacher, Academic Motivation, Learning, Elementary School Students, Academic Achievement, Classroom Management, Teacher–Student Relationships, Educational Quality, Education.